حبیب کاشانی، عضو شورای اسلامی شهر تهران و بانی هیئت «دو طفلان مسلم»:

خانواده ایرانی با اتصال به امام حسین(ع) هیچ وقت گم نمی‌شود

دکتر حبیب کاشانی منتخب دوره‌های دوم، سوم و چهارم شورای اسلامی شهر تهران و عضو دوره ششم این شورا متولد ۱۳۴۴ است و در سال‌های ۸۶ تا ۹۰ به عنوان سرپرست و مدیر باشگاه پرسپولیس فعالیت داشت. چند قهرمانی برای تیم پرسپولیس ماحصل سال‌ها تلاش او در این باشگاه بود. وی دارای مدرک دکترای حقوق بین‌الملل است و زمان جنگ، سابقه چند سال حضور در جبهه‌های حق علیه باطل و فرماندهی حوزه بسیج در غرب تهران را در کارنامه خود دارد. در کنار این همه تلاش و تجربه کاری، اما روزانه «جوان» در این ایام عزاداری سیدالشهدا(ع) با او به عنوان یکی از بانیان هیئت‌های عزاداری مصاحبه کرده است. باید گفت هماهنگی مصاحبه با وسعت بود و این مصاحبه را هم نمی‌پذیرفت تا اینکه مطلع شد موضوع مصاحبه نه اجتماعی است، نه انتقادی و نه تعریف و تمجید، بلکه رویکردش محرم است و عزاداری سیدالشهدا(ع) و صرف مسائل دنیوی نیست

به خاطر وقتی که در اختیار ما گذاشتید تشکر می‌کنم. مخاطبان شما را به عنوان یک عضو شورای شهر می‌شناسند و شاید این فکر به ذهن‌شان خطور کند اداره هیئت با حضور یک مسئول به دلیل پشتوانه اعتباری که دارد راحت است. از هیئت و تشکیلات آن بگویید و اینکه آیا این ذهنیت درست است؟

چرخاندن دستگاه عزاداری اهل بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) کار دل است. اینطور نیست که مقام و شخصیت یک نفر می‌تواند آن را بچرخاند. این برداشت غلطی است. به همین دلیل یک خادم ساعت‌ها در گرمای هوا کنار آتش می‌ایستد فقط به این عشق که یک زائر و سوگوار امام حسین(ع) یک چای زغالی بخورد. این تعارف، تعارف مادی نیست.

روزی که می‌خواستیم هیئت را راه‌اندازی کنیم، به رغم مسئولیتی که در خانه‌داری شهر داشتم، ماهی چندین چک امضا می‌کردم، ولی در زندگی شخصی تا آن زمان چک نکشیده بودم و آن روز اولین باری بود که یک چک برای خرید اقلام هیئت امضا کردم آن هم با تردیدی که اما می‌توانم چک را پاس کنم یا نه! این نشان می‌دهد برپایی هیئت اهل حسین(ع) خیلی سخت نیست و نیازی ندارد به اینکه مسئول باشی یا نه، فقیر باشی یا غنی، بیر باشی یا جوان، چراکه خود امام حسین(ع) همه چیز را درست می‌کند.

این هیئت به نام «دو طفلان مسلم» از سال ۱۳۶۶ در خیابان هاشمی - یکی از محله‌های شهید پرور تهران - شکل گرفت. بهانه شکل‌گیری هیئت، چند بچه کوچک بود که طبل و سنج می‌زدند. مرحوم برادرم همانجا تصادف کرد و خانه‌اش به آنجا منتقل شد. اما بدون هیچ امکاناتی، هر کس یک تکه چادر و بچه‌ها چادرهای مادرشان را آوردند و خیمه زدند. یادم است اولین شامی که می‌خواستیم پخش کنیم با ۵۱ نفر شروع شد. هشت سنگ‌نویسه داشتیم. آنها را تقسیم کردیم و هر کس برخی از آن سنگ‌نویسها را خود و این دو اثر اصلی امام هیئت. کم‌کم که گذشت به رکب خود امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) حالا ۱۳ روز اول محرم این هیئت بعدازظهرها برپا می‌شود. ابتدا تلاوت قرآن، بعد زیارت عاشورا، سپس سخنرانی و مدیحه‌سرایی و سینه‌زنی و با افتان مغرب و نماز جماعت تمام می‌شود.

هیئت دو طفلان مسلم چقدر در جذب جوانان و کودکان موفق بوده است؟

در این هیئت، ریش سفیدان و پیرغلامان بر حسب احترامی که باید به آنها گذاشته شود بالای مجلس یا برای خواسته‌هایی جلوی در ورودی می‌نشینند و کارهای اجرایی بر عهده جوانان است. همان طور که می‌بینید تعداد زیادی کودک در هیئت حضور دارند و این نشان می‌دهد بزرگان و پیران هیئت برخودشان با آنها خوب و آرام است. کسی به آنها امر و نهی نمی‌کند و شیطنت‌های‌شان با حوصله و تحمل مدیریت می‌شود طوری که به نظم جلسه لطمه‌ای نخورد. بانوان هم در حسینیه‌ای دیگر مستقر هستند. همه اینها نشان از آن دارد که ضمیر پاک در وجود تک‌تک آدم‌ها وجود دارد و این دل‌ها به واسطه امام حسین(ع) با برپایی خیمه عزاداری به هم نزدیک‌تر و مهربان‌تر می‌شود.

پس هیئت‌ها باید خروجی خوبی از جوانان به بدنه اجتماع داشته باشند؟

بله و نکته حائز اهمیت نیز همین است. بچه‌هایی که در هیئت بزرگ می‌شوند در آینده یا قاری قرآن هستند یا سخنران و بعضی هم مداح. در همین هیئت این اتفاق افتاده است و کم پیش می‌آید سخنران

> **هیئت و مسجد از جمله مکان‌هایی هستند که یک مادر یا پدر فرزندش را با خیال راحت و با عشق رها می‌کند و خودش به عزاداری مشغول می‌شود چون می‌داند خروجی این محفل معنوی چیزی است که باید سال‌ها برای آن تلاش کند. پس به جرئت می‌توان گفت مساجد و محافل عزاداری اهل بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) مسیر رسیدن به یک انسان وارسته را کوتاه می‌کند و والدین را به آرزوی‌شان که همان تربیت شایسته فرزندان است می‌رساند**

شیطنت‌های‌شان با حوصله و تحمل مدیریت می‌شود طوری که به نظم جلسه لطمه‌ای نخورد. بانوان هم در حسینیه‌ای دیگر مستقر هستند. همه اینها نشان از آن دارد که ضمیر پاک در وجود تک‌تک آدم‌ها وجود دارد و این دل‌ها به واسطه امام حسین(ع) با برپایی خیمه عزاداری به هم نزدیک‌تر و مهربان‌تر می‌شود.

پس هیئت‌ها باید خروجی خوبی از جوانان به بدنه اجتماع داشته باشند؟

بله و نکته حائز اهمیت نیز همین است. بچه‌هایی که در هیئت بزرگ می‌شوند در آینده یا قاری قرآن هستند یا سخنران و بعضی هم مداح. در همین هیئت این اتفاق افتاده است و کم پیش می‌آید سخنران

عکس: مرتضی مطلق، مسعود مقدمی‌پور | زندگی حسینی | جوان

تشکیلات، تشکیلات هیئت است. هر کس کار خودش را انجام می‌دهد و خادمان فارغ از بست و مقامی که دارند با تواضع و اخلاص، هر خدمتی را که از عهده‌شان برمی‌آید انجام می‌دهند. باور دارم هیچ تشکیلاتی در عالم منظورتر از تشکیلات امام حسین(ع) نیست. همه کارها حساب و کتاب دارد. از خوانه‌گویی به میهمانان، تا تهیه و پذیرایی، هماهنگی برای قرائت قرآن، سخنران و مداح که از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی و بعد با نظم و ترتیب خاصی اجرا می‌شود.

حضور خانوادگی در چنین مجالسی چقدر بر تحکیم خانواده تأثیر می‌گذارد؟

وقتی هیئتی تشکیل می‌شود هم بخش مردان دیده می‌شود و هم بخش زنان و حالا در بیشتر حسینیه‌ها مکانی برای نگهداری کودکان هم وجود دارد. این نشان می‌دهد بنای این بر خانواده است. چراکه هیچ تشکیلاتی به اندازه این تشکیلات به تربیت صحیح خانواده کمک نمی‌کند. به همین دلیل پایه هیئت چنان است که هر فرد با اعضای خانواده‌اش آنجا حاضر می‌شود. وقتی والدین فرزندشان را به مکانی می‌برند، شاید کمی نگرانی نه دل آنها باشد، ولی هیئت و مسجد از جمله مکان‌هایی هستند که یک مادر یا پدر فرزندش را با خیال راحت و با عشق رها می‌کند و خودش به عزاداری مشغول می‌شود چون می‌داند خروجی این محفل معنوی چیزی است که باید سال‌ها برای آن تلاش کند. پس به جرئت می‌توان گفت مساجد و محافل عزاداری اهل بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) مسیر رسیدن به یک انسان وارسته را کوتاه می‌کند و والدین را به آرزوی‌شان که همان تربیت شایسته فرزندان است می‌رساند

> **به نظر شما فرقی بین خانواده‌ای که حب حسین را در وجود فرزندانش می‌پروراند و در مجالس عزاداری اهل بیت(ع) شرکت می‌کند با آن خانواده‌ای که اهمیت چندانی به این مهم قائل نیست، وجود دارد؟**

نزدیک به ۲۴ سال است تجربه معلمی دارم و بنا بر این تجربه دیده‌ام خانواده‌هایی که الگوی‌شان امام حسین(ع) است، رفتار فرزندان‌شان خیلی متفاوت است. یاد یک برنامه تلویزیونی افتادم که جوانی می‌گفت تا لیه پرتگاه رفتم که دومنی تمامی گذشته را مرکبه کربلا عوض کرد و همین تمامی مرا از آن پرتگاه نجات داد. چوانی که دل به امام حسین(ع) ببندد در این پیوند حتماً خانواده‌اش مؤثر بوده است و گمه نمی‌شود. هر زمانی که لازم باشد امام وفادار دستش را می‌گیرد که در هر روز کربلا به امام حسین(ع) بدهیم و تأثیرش را ببینیم. به روضه‌های خانگی و محلی اهمیت بدهیم و سعی کنیم هفته‌ای یکبار برگزار شود، منقطع نباشد و مستمر باشد. آن وقت است که حب اهل بیت(ع) در دل‌ها ثابت می‌ماند.

زندگی آقای حبیب کاشانی کجای واقعه عاشورا قرار دارد؟

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ایم این است که ادامه دهنده راه عاشورایی‌ها باشم. اگر به جبهه رفتم و اگر ماندم به این دلیل بود که می‌خواستم در مسیر عاشورا باشم و متصل به عاشورا باقی بمانم. همه مشکلات ما از آنجایی شروع می‌شود که راه را گم می‌کنیم. اگر باور کنیم این راه، مسیری است که انسان را به سرمنزل مقصود می‌رساند یقین پیدا می‌کنیم. همه رفقایی هم که شهید شدند همگی در این مسیر افتادند. به همین دلیل مدال شهادت گرفتند و لاغیر. باور کنیم این مسیر ختم به سعادت است و اگر واقعه عاشورا را که مسیر اصلی است گم کنیم بدبخت هستیم. مانند پلیسی که سر چهارراه ایستاده و ما را به مسیر درست راهنمایی می‌کند، ولی ما اشتباه می‌رویم و بعد از کلی دور زدن دوباره سر جای اول می‌ایستیم. بعد غبطه می‌خوریم که خوش به حال آنهایی که رفتند و به مقصد رسیدند. آن وقت حسرت می‌خوریم که دوباره در تار تنیده دور خودمان دست و پا می‌زنیم. تلاش کنیم عاشورا سر مشق زندگی‌مان بماند.

اگر آن روز واقعه عاشورا حاضر بودید، جای شما کجا بود؟

(آقای کاشانی بعد از این سؤال مکث کوتاهی کرد، سپس در حالی که اشک می‌ریخت و بغض گریه بود جواب داد) وقتی به این سؤال خیلی سخت است. باید فرمایش حضرت آقا به دانشجویان دانشگاه‌های امریکایی که از مردم فلسطین حمایت کردند افتادم. ایشان خطاب به آن دانشجویان فرمودند: «شما اکنون در طرف درست تاریخ - که در حال وق خوردن است - ایستاده‌اید.» دعا می‌کنم خدا ما را در زمره همین افراد قرار بدهد. ما از آن‌طور که شایسته و بایسته است کنار امام زمان‌مان بمانیم و از او محافظت کنیم. البته در حرف راحت است خدا را در عمل کمک کند.

شب عاشورا سراسر درس زندگی است، بهترین درسی که می‌توان از آن گرفت چیست؟

حق‌الناس آن شب وقتی یاران امام حسین(ع) دور او جمع بودند، امام فرمودند اگر کسی حق‌الناس گردنش است از این حلقه بیرون برود. بعضی گفتند آقا پرداخت می‌شود، بگذارید بمانیم. ولی امام فرمودند نه برویم بدهی‌تان را بپردازید. همین یک حرف امام برای هدایت کل زندگی در مسیر سالم و درست کافی است. حال اگر سراسر عاشورا را بخوانیم و در آن تأمل کنیم چقدر در تربیت فرزندان و در منش‌های اجتماعی‌شان مؤثر است و آنها را تشکیل می‌دهد. اگر وجود مبارک امام حسین(ع) نبود نمی‌دانم به کجا می‌رفتیم و به کجا کشانده می‌شدیم.

> **حسینیه کودک باید نمادی از خیمه اباعبدالله(ع) باشد؛ مکانی پر از معرفت و مهربانی. کودک در این فضا باید هم قصه بشنود، هم عزاداری و سیاه‌پوشی را تجربه کند، هم کار جمعی را بیاموزد و هم نمود مفاهیم بلند اخلاقی را ببیند**

فکری‌اش به درستی ساخته شود و در بزنگاه نیاز، کریمانه و استوارانه و به شیوه اباعبدالله(ع) عمل کند. تقلید دادن دلسان این جوانمردان تنها به جنگ نباید باشد. اینها وجودی این بزرگواران بهترین الگوی عملی برای کودکان است. پس لازم است نه فقط در عاشورا که در تمام زمان‌ها باید این مفاهیم توجه کنیم. پس لازم نیست جزئیات را برای کودکان بگوییم. کودک همین که در حد خودش عباس بن علی(ع) را بشناسد، از شنیدن از دست دادنش غمگین می‌شود و همین اندازه

حمید هنرجو، شاعر و نویسنده ادبیات دینی:

اشک و عزا ایمان باید به حسین باوری و حسین یاوری برسد

آنچه امروز از کربلا می‌دانیم نتیجه همان تلاش‌هایی است که گوش به گوش و سینه به سینه به ما رسیده است. آنچه خواندیم و در کلام بزرگان پای منبرها شنیدیم، همان‌ها باعث شده تا تلاش کنیم حسینی باشیم و بمانیم. گزارش‌های مکتوب تاریخی، اشعار و مرثیه‌ها، ادبیات نمایشی و داستان، زنجیره متصلی بوده که برای ما عاشورا را ساخته است. همه ما در ذهن خود این واقعه را همانند محمود فرشچیان نقاش و نگارگر پیشکسوت ترسیم کرده‌ایم. در واقع اصلاً هنر ادبیات بوده که این مفهوم را به ما انتقال داده است. هنوز هم مداحان به دنبال بهترین اشعار هستند تا در دهه محرم برای مردم بخوانند و این واقعه را نسل به نسل انتقال دهند، اما این همه ماجرا نیست. امروز ما نیازمند انتقال درست مفاهیم هستیم و به قول معروف شور و شعور حسینی را در کنار هم می‌خواهیم. در همین دهه محرم شیخ عباس صراف پای یکی از منبرهای خود حرف دقیقی زد: «دوره اینکه به مردم بگوییم برای امام حسین گریه کن تا گناهات بخشیده شود گذشت؛ امروز ما باید از سعه صدر سیدالشهدا و اتر این شرح صدر برای مردم پای منبرها حرف بزنیم.» حمید هنرجو، پژوهشگر، نویسنده، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار و شاعر کودک و نوجوان است. وی گفت‌وگویی در همین عرصه با ما داشته است. هنرجو معتقد است: «به همان اندازه که اشک و عزا لازم است ما نیازمند «حسین باوری و حسین یاوری» هستیم. به اعتقاد او تعالی عاشورا و واقعه کربلا فراتر از یک دهه باید باشد و چنین هدفی جز با انتقال درست مفاهیم محقق نخواهد شد.»

از امام حسین(ع) و مسیر او برایمان بگویید.

امام حسین(ع) برای بشر و بشریت پیوسته به عنوان یک هادی مطرح است و این هدایت نیاز به مأنوس شدن دارد. تا انسان راهی را نشناسد و از جذابیت گنجینه‌ای آگاه نباشد برای سفر به آنجا رغبت نخواهد کرد؛ حالا حساب کنید انسان بخواهد اندیشه و ذهن خود را به جایی ببرد که هم آرامش بگیرد و هم آگاهی پیدا کند در نتیجه این مسیر نیازمند شناخت دقیق است.

این شناخت چگونه در ادبیات و هنر جاری می‌شود و می‌توانیم از این طریق عزاداری صحیح را بیاموزیم؟

امام حسین(ع) جریان همیشه زنده و تاریخ ساز است که برای هر سده، هزار حرف دارد. پیش از این نیز شعرا، تاریخ پژوهان و نویسندگان گفتند و نوشتند و بعد از این هم هر کس به نسبت سده و دوران خود خواهد گفت و نوشت. ما باید غواص خوبی باشیم و مفاهیم مورد نیاز عاشورا را متناسب با زمانه خود را استخراج و به خوبی تبدیل کنیم.

نقص و آسیب‌های موجود در زمینه انتقال مفاهیم و اشعار و نوشته‌ها چیست؟

آسیب این است که امام حسین(ع) و عاشورا را به صورت مطلق، سوگ ببینیم یا امام حسین(ع) و جریان عاشورا را کلاً از سوگ جدا کنیم. در واقع عاشورا هم حماسه است که در دل خود درس دارد و هم سوگ دارد به این دلیل ما مام‌ام خود را در مظلومیت از دست داده‌ایم. سید الشهدا در عین حال که مدافع حق بشر، عدالت و انسان بودند از سوی انسان‌ها به شهادت رسیدند.

اینها جریاناتی است که هیچ منفکر آگاه و آزادی را از خود دور نمی‌کند و همیشه ما احساس نیاز به آن می‌کنیم. بغض این است که گاهی شاید شعر و نوحه مناسب و داستان برای سنین مختلف وجود ندارد و شاید صرفاً برای اشک گرفتن تقلیل پیدا کند.

خاده حسینی به تنهایی نمی‌تواند بنویسد و بخواند. البته استقلالتی وجود دارد اما قائلیا حدهای خوب جریان گشته شعر و مطلب هست در حالی که مطلب و محتوا راه جداگانه‌ای دارد. همین است که شعر خوب را یک نفر دکلمه صادق و واقعه عاشورا را در جایگاه خود ترسیم کند که البته صادق خوب هم باعث می‌شود؛ شعر به می‌تواند مسیر را تغییر دهد.

مرکز هادی را بیشتر توضیح دهید.

مرکز هادی می‌توانسته علماء تاریخ پژوهان و عاشورا پژوهان ما باشند. تلاش پزدیان هم همین بود که جایگاه و شأن امام تقلیل پیدا کند اما گاهی بعد از هزاران سال با کار نوحه و شعر ضعیف برخی در صف پزدیدی‌ها می‌ایستند. اشک زیباست اما به همراه معرفت زیباست و نفر صادق‌ها شناختی از مرثیه و ادبیات ندارند.

شناخت یعنی چه؟

یعنی اگر ما مرثیه و نوحه را با اثر کلاسیک بشناسیم، گاهی برخی اشعار تحریف است و نباید فکر کرد با هر مفهومی می‌توان لوح گرفت. شاعر و مرثیه‌سرا، مداح و مرکز هادی که حسینیه و تکایا هستند یک منبت باید باشند که به یکدیگر ربط دارند. مرثیه و شعر غلط دل بنشیند. آقای شاعر کار شما خواندن نیست مگر اینکه خدا اراده کند که در دو وجه باشید و همینطور مداح هم کار دو وجهی ندارد و هر کدام باید در مسیر خود قرار بگیرند.

اگر قرار باشد این شناخت و مسیر را در شرایط امروز توصیف کنید؛ چه می‌گویید؟

ما نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال پیش، جلو رفتیم و می‌بینیم که در فقدان آگاهی و تحت‌تأثیر جهان سرمایه سالار و رسانه‌های امپریالیستی و شبکه‌های اجتماعی مبتذل به کالا بودگی حوز رضایت داده‌اند.

اما امروز ما هم به شدت دچار خطای راهبردی هستیم و بر خلاف سال‌های آغازین انقلاب اسلامی؛ غالباً بر مستوری و حجاب حضرت زینب(س) و نهایتاً حجاب امیر ایشان در برابر مصائب تأکید می‌کنیم یعنی آنکه از قدرت عقلانیت، هدایتگری، سخنوری، ظلم ستیزی، تهور و شجاعت ایشان در مواجهه با دشمن سخن چندانی نگوییم؛ ویژگی‌هایی که جامعیت و فرا تاریخی بودن یک شخصیت بزرگ و الگو را نمایان می‌کند؛ از این رو دختر و زن جوان متعلق به فضای مدرن جامعه ما که مدام در معرض سیل و چالش‌های دین ستیزانه و سنت گریز رسانه‌های مهاجم است از تصویر فوق نوعی تحجر و بازگشت به گذشته را دریافت می‌کند و مطلق می‌شود که نه تنها با چنین الگویی همراهی و همدلی نکند بلکه به تقابل با آن بپردازد. چراکه آن را نوعی محدودیت در سبک زندگی خود قلمداد می‌کند. حال آنکه واقعیت شگفت این است: در هزار و ۴۰۰ سال قبل زنی با استقلال کامل انتخاب می‌کند که در حرکتی سیاسی - اجتماعی همراه امام خود ترک وطن و آسایش و امنیت کند و تمام سرمایه - دو پسر - و توانش برای انجام رسالت الهی‌اش جهادی عظیم را اثر کند. نکته مهم اینجاست که این مطلع از زادگی برای یک زن و برخورداری از هویت مستقل مربوط به دوره‌ای تاریخی است که زنان از کمترین حقوق انسانی‌شان محروم بوده‌اند و جزو مایملک مردان محسوب می‌شدند.

برای آنکه شاخص فرهنگ حسینی در زندگی پایدار بماند و صرف یک دهه و دو دهه نباشد، چه باید کرد؟

ما وقتی زیاد بر عزا تأکید می‌کنیم به یک ایامی محدود خواهد شد و بعد از دهه اول که اوج این شور است کم‌رنگ‌تر می‌شود. این ما هستیم که به عزا نیاز داریم و اهل بیت به عزای ما نیاز ندارند. داستان این است که اگر فقط عزادار باشیم به همین چند دهه محدود می‌شویم اما اگر به جنبه‌های دیگر توجه کنیم و سلوک اهل بیت را با چشم‌دل ببینیم در نتیجه، اثر فرهنگ حسینی همواره در زندگی ما وجود خواهد داشت. ما باید به مخاطب بگوییم که اهل بیت برای خود چیزی نمی‌خواستند و امروز هم نیازی به عزای ما ندارند. همچنین اهل بیت در زمان خود بسیار مطالعه داشتند. در روایات می‌گویند امام حسین و امیر المؤمنین(ع) اهل مطالعه بودند و حتی شعر می‌سرودند. این دانش بدون مطالعه نیست. اهل بیت دانایان زمان خود بودند. همچنین شجاعت بعد دیگری از این بزرگ منشی‌هاست که به رغم تنهایی، می‌ایستند و راه درست را می‌روند. ما در کل سال باید به این ابعاد بپردازیم، اما اگر صرف اشک و عزا باشد به همین چند دهه محدود خواهد شد. ما باید حسین باور و حسین یاور باشیم و برای این مهم باید سبک زندگی خود را تغییر دهیم.

سبک زندگی صرف شرکت در جلسه زیارت عاشوراي هفتگی نیست بلکه تأکید بر منش امام حسین است. زیر بار ظلم نرفتن و رعایت عدالت از جمله موارد‌ی است که یک مدیر باید تصمیم بگیرد در منش خود در تمام فعالیت‌ها این عدالت را رعایت کند.

پیشنهاد شما چیست؟

مطالعه، یکی از روش‌های مهم برای شناخت اهل بیت است. همچنین برخی از مرثیه‌ها و مداحی‌ها و شعرها و آثار ادبی در زمینه افزون کردن حد و احترام شاعر را در انتقال پیام و نقش حسین در این طریق آسمانی بیفزاید.

به عبارت دیگر ادبیات عاشورایی می‌بایست «حب» به همراه معرفت باشد و تمام کسانی که در این راه گام برمی‌دارند وظیفه دارند در این امر خطیر قصور نکنند. بر اساسی حیف است که مردم آموزه‌ای به خانه بازگردند و این تکلیف هم دست‌اندرکاران مجلس است که نسبت به انتقال پیام و آموزه‌های حسینی به جامعه احساس مسئولیت کنند.

عکس: مسعود شهریاری‌نژاد | جوان

> **آسیب این است که امام حسین(ع) و عاشورا را به صورت مطلق، سوگ ببینیم یا امام حسین(ع) و جریان عاشورا را کلاً از سوگ جدا کنیم. در واقع عاشورا هم حماسه است که در دل خود درس دارد و هم سوگ دارد به این دلیل ما مام‌ام خود را در مظلومیت از دست داده‌ایم. سید الشهدا در عین حال که مدافع حق بشر، عدالت و انسان بودند به دست انسان‌ها به شهادت رسیدند**

صدف غصب مادیات و معنویات زندگی بقیه است. وقتی امام حسین(ع) می‌گوید «هیئت من الذله» در نتیجه ادبیات عاشورا فقط نباید بگریاند و باید وارد تفسیر چنین جمله‌ای شود. مداح ما باید هم روشنگری کند و هم اشک معرفت بگیرد. گریه باید همراه معرفت باشد. امام حسین «مظلوم مقتدر» بودند اما خواستند به بشریت نشان دهند من تا آخرین قطره خون پای دین، انسانیت و آزادگی ایستادم. امام دین جهت فکری امام حسین(ع) و یاران ایشان در مواجهه با کفر و شرک است. جبهه‌ای که در طول تاریخ شخصیت‌های بزرگی ظهور کرده‌اند و وقایع بزرگی رخ داده است، اما همه این شخصیت‌ها و رویدادها نتوانسته‌اند قدم به قلمرو ادبیات بگذارند و اگر اثرهای نیز به آنها شده، کوتاه مدت بوده و به مرور زمان رنگ باخته است.

واقعه عظیم و بی‌بدیل عاشورا از همان لحظات نخست قدم به قلمرو شعر و ادبیات گذاشته که در آن دوران شعر دارای مرتبه‌ای بسیار والا و به عنوان مهم‌ترین رسانه شناخته شده‌است.

دیدار بین شاعر امام حسین(ع) با فرزدق شاعر نامدار آن روزگار در مسیر بین مکه و کوفه نقطه عطفی است. آنجا که فرزدق در پاسخ امام با بیانی شاعرانه در توصیف احوال کوفیان می‌گوید: «قلب‌هایشان با او و شمشیرشان بر علیه توست.»

در کتب مقتل در هر منزلی، ردیابی از شعر دیده می‌شود که هر یک از این فرازها می‌تواند الهام‌بخش شاعران برای آفرینش آثار بدیع و قابل ماندگاری باشد. با مروری بر آثار پژوهشگران این نکته روشن می‌شود که متأسفانه، با گذشت زمان تحریف‌هایی در نقل واقعه کربلا رخ داده که این امر دارای دلایل گوناگونی بوده است و معضلاً آمات آن را مرتکب نکردن روایی یا شاعر به کتاب‌های مقتل و منابع دست‌اول و نزدیک به نهضت عاشورا است.

بی‌گمان عشق و ارادت جامعه بشری به شخصیت والا و قیام عظیم امام حسین(ع) می‌تواند فرصتی ارزنده باشد برای انتقال پیام آن حضرت به آحاد مردم و پسندیده است که شاعر در هنگام سرودن به این نکته بی‌اعتماد نباشد و مبادا نیازهای فکری و روحی جامعه را نادیده بگیرد.

شعر عاشورایی می‌بایست اثری مبتنی بر اندیشه و احساس باشد؛ یعنی همانقدر که به عنصر عاطفه در آن توجه شده است به عنصر اندیشه و بیان فضایل و سجایای اخلاقی و اجتماعی حضرت اباعبدالله الحسین ارائه باشد.

چرا در گفته شود که شمار زیادی از اشعار عاشورایی ایجزن در بند توصیف قد و قامت و چشم ابروست که می‌تواند به هر کس دیگری شبیه باشد و در مقابل هیچ نکته‌ای از گفتار و سیره خاص آل علی(ع) و یاران باوفایش در آن دیده نمی‌شود.

مراجعه به سیره حضرت امام حسین(ع) برای آنکه شعر و اثر ادبی عاشورایی به ادبیات عاشورایی می‌بایست «حب» به همراه معرفت باشد و تمام کسانی که در این راه گام برمی‌دارند وظیفه دارند در این امر خطیر قصور نکنند. بر اساسی حیف است که مردم آموزه‌ای به خانه بازگردند و این تکلیف هم دست‌اندرکاران مجلس است که نسبت به انتقال پیام و آموزه‌های حسینی به جامعه احساس مسئولیت کنند.

شاعر، مؤلف و پژوهشگر ادبیات عاشورایی

نیره ساری — پرونده — زندگی حسینی

«زینب گونه شدن» راهی مستقل از فمینیسم برای غلبه بر جنس انگاری زن است

نسیم کاهیده*

نگاهی گذرا بر ادوار مختلف تاریخی نشان می‌دهد زنان همواره فاقد استقلال هویتی و آزادی‌های فردی بوده و تحت فشار مردان و قوانین مردانه زیسته‌اند. در این میان اسلام و به تبع آن، تشیع زن را به عنوان سوژه‌فعال و مؤثر در گسترش دین، معرفی می‌کند و جایگاه هویتی مهم و برجسته‌ای برای او قائل شده است. اراین روست که پیامبر اسلام(ص) به پشتوانه حمایت‌های یک زن (همسرش خدیجه) دعوی رسالتش را علنی می‌کند و با همراهی و همدلی زنی دیگر (دختر فاطمه) این رسالت را پیش می‌برد.

پس از وفات پیامبر اسلام(ص) و با شروع امتداد جریان امامت، بازهم شاهد نقش آفرینی حضرت فاطمه(س) به عنوان یک سوژه اجتماعی- سیاسی تأثیرگذار هستیم. اگر چه عمر کوتاه حضرت فاطمه(س) اجازه نداد که رسالتش را در قبال سلطه نوپای اسلامی ادامه دهد؛ اما میراث فکری و الهی‌اش، از طریق دختر ارجمندش، زینب(س) حفظ شد. ظهور کامل عقلانیت و درعین حال عاطفه عمیق، سلحشوری، مجاهدت و صبر بی‌نظیر حضرت زینب در صحنه عظیم عاشورا - به عنوان مقطعی حساس از رویارویی تفکر اسلام واقعی با اسلام خلافتی- بهترین شاهد بر مدعای زنده ماندن میراث دختر پیامبر است؛ ویژگی‌های هویتی که ایشان را به عنوان الگویی کامل برای زنان در تاریخ تشیع ماندگار کرد.

نکته‌ای که در مورد نوع مواجهه زینب(س) با موقعیت‌های مختلف حوادث عاشورا جلب توجه می‌کند؛ نوعی دوگانگی ظاهری است که شاید سوال برانگیز باشد؛ اینکه مشاهده می‌کنیم ایشان در گفت‌وگو با امام حسین(ع) در شب عاشورا زنی سرشار از عاطفه و احساس است که خبر شهادت برادر و عزیزانش را تاب نمی‌آورد و به نسیین و زاری می‌پردازد و امام به سختی و آرام آرام می‌کند ولی در فردای همان شب، آنچه از زینب(س) می‌بینیم تصویر زنی نیز سخت با اراده‌ای پولادین است که شرارت و قساوت دشمن درهای ترس و ضعف در دل او ایجاد نمی‌کند. زینب(س) را پس از این در قامت فاطمه سلام‌الله علیها می‌بینیم که حامی و امید زنان و کودکان است.

اما امروز در جامعه ما آنچه که از حضرت زینب(س) در نهضت عاشورا بازنمایی می‌شود؛ بخش عمده‌اش تصویری از مصیبت‌زدگی و سوگواری است و ابعاد دیگر شخصیتی ایشان، مغفول مانده است. ابعادی که چه بسا با مطرح شدن آنها بتوان ذهن نسل جوانی را به تجدد افراط می‌شوند. این مسئله برای کودکان بسیار زیانبار است و آنها را از معارف دینی دور خواهد کرد. باید بکوشیم در گیر تفسیر به رأی نشویم.

همین پتانسیل به خودی خود برای نسل جوان که در شرایط هویت یابی قرار دارد جذاب است.

اکثر افراد مدعی و تجربه‌هایی زندگی خود را حول یک جهت اصلی سازماندهی می‌کنند؛ هویتی که در طول زمان و مکان دوام و استمرار دارد؛ دختر و زن مسلمان در کندوکاو عمیق ذهنی‌اش پیرامون نهضت عاشورا به رهبری زن خردمند، عفیف، توانا، شجاع، مبارز، قوی و صبور چون زینب(س) می‌رسد که می‌تواند الگو و اسوه‌ای برای او باشد. از همین تأمل و اندیشه در هویت خود به عنوان زن شعبه، مهیای مواجه‌های زینب گونه با سختی‌های زندگی می‌شود؛ چنین زنی نه تنها در زندگی خانوادگی در گیر تضادهای نفسانی نیست بلکه در زندگی اجتماعی هم زنی فعال، کنشگر و ظلم ستیز است. نگاهی به حضور فعال و تعیین کننده سوژه‌های زن مسلمان معاصر در به ثمر رسیدن جنبش‌های فکری، اجتماعی و سیاسی برخی از جوامع اسلامی مانند یمن و انقلاب اسلامی در ایران نشان داده است میراث شیعی که اشاره شد هنوز زنده و پویاست و به پشتوانه آن برای زن مسلمان و شیعه‌ای مستقل از فمینیسم وجود دارد؛ اما در این میان، شاهدیم که بازنمایی ناقص از شخصیت‌هایی مانند حضرت زینب(س) به گونه‌ای است که در تضاد با مفاهیمی مانند آزادی و استقلال زن در جامعه مدرن برداشت می‌شود و همین برداشت غلط، مانعی جدی در پذیرش الگوی مترقی مذکور از سوی عامه زنان بوده است؛ زنانی که در فرهنگ ما از دیرباز مختلف گذر کرده‌اند و بعد از مطلق کوتاهی، آقای کاشانی به هیئت آمدند و مصاحبه شروع شد. در طول مصاحبه این عضو شورای شهر معتقد بود هیئت‌ها باید خروجی مثبتی داشته باشند، باید انسان‌های شریف، با اخلاق و پاکدستی را تحویل اجتماع دهند تا جامعه را به سمت سلامت سوق دهد. وی می‌گفت خانواده‌ها باید در آشتی خود و فرزندان‌شان با هیئت‌های مذهبی همت گمارند، چراکه سال‌ها از حمت و هزینه برای رسیدن به درجه اعتنای انسانیت را می‌توانند با آشتی با اهل بیت(ع) به ویژه امام حسین(ع) و یاران شان به دست آورند و مسیر را کوتاه و آسان کنند. او در یک کلام گفت خانواده‌ها اگر می‌خواهند فرزندان‌شان را گم نکنند و فرزندان هم والدین‌شان را گم نکنند دست از دامان امام حسین(ع) نکشند، چراکه زیر سایه این وصلت و مودت است که اعضای خانواده در زمینه‌هایی مانند تحصیل، آینده و شغل رشد پیدا می‌کنند و مشکلات‌شان حل می‌شود. متنی که در ادامه می‌خوانید ماحصل همکلامی‌مان با این خادم حسینی است.

ارتباط امروز هیئت‌ها با جوانان چگونه است؟

هیئت‌ها و مساجد از جمله مکان‌هایی هستند که یک مادر یا پدر فرزندش را با خیال راحت و با عشق رها می‌کند و خودش به عزاداری مشغول می‌شود چون می‌داند خروجی این محفل معنوی چیزی است که باید سال‌ها برای آن تلاش کند. پس به جرئت می‌توان گفت مساجد و محافل عزاداری اهل بیت(ع) به خصوص امام حسین(ع) مسیر رسیدن به یک انسان وارسته را کوتاه می‌کند و والدین را به آرزوی‌شان که همان تربیت شایسته فرزندان است می‌رساند

> **حسینیه‌های کودک باید نمادی از خیمه اباعبدالله(ع) باشند**

فرزندان برای شرکت در مجالس سوگواری و عزاداری اباعبدالله الحسین(ع) و دیگر اهل بیت(ع) همراه والدین‌شان به حسینیه و مساجد می‌روند که شاید لازم باشد ساعت‌های طولانی را کنار آنها قرار بگیرند. در این فاصله آنها شاهد گریه و شیون‌های والدین و دیگر عزاداران هست